

## نسبت بین فیزیک اتم‌گرایی کلام به مادی‌گرایی و الحاد با رویکردی تحلیلی

بنفشه افتخاری\*

### چکیده

تاریخچه اتم‌گرایی به یونان باستان بازمی‌گردد. اتم‌گرایی یونان نظریه‌ای مادی‌گرا، علی، و مکانیکی بود. اتم‌گرایی، چه اتم‌گرایی یونان و چه اتم‌گرایی جدید (بعد از قرن هفدهم)، از جهاتی نظریه‌ای مادی‌گرا به‌شمار می‌رود. در قرون وسطی و در جهان اسلام نیز متکلمان معتزلی و اشعری نوعی نظریه اتم‌گرایی برای تبیین طبیعت ارائه کردند. برخلاف اتم‌گرایان یونان، متکلمان مسلمان متأله بودند و نام متکلم را از جهت پای‌بندی به تعالیم اسلام و قرآن یدک می‌کشیدند. باوجوداین، نظریه‌ای که درباب جهان طبیعت ارائه دادند از جهاتی با سایر نظریات اتم‌گرایانه مشابهت دارد. این نکته جالب توجه است که اتم‌گرایی کلام توسط نظریه‌پردازانی ارائه شد که در بحث قدرت مطلق خداوند به‌شدت رادیکال بودند. در این جستار قصد دارم پس از معرفی نظریه اتم‌گرایی کلام به ساختار متافیزیکی این نظریه بپردازم، این‌که کدام اصول اعتقادی مبنای نظری متافیزیک کلام است. در ادامه، تحلیل خواهم کرد که چگونه نظریه‌پردازان متأله برای حفظ اصول متافیزیکی خود نظریه‌ای در فیزیک ارائه داده‌اند که به مادی‌گرایی و طرد متافیزیک در فیزیک انجامید، هرچند این نظریه الحادی نیست.

**کلیدواژه‌ها:** اتم‌گرایی، اتم‌گرایی کلام، ماده‌گرایی، متافیزیک، فیزیک کلام.

\* دکترای تاریخ و فلسفه علم، پژوهش‌گر در پروژه فاسیف وابسته به دانشسرای عالی و مرکز تحقیقات فرانسه،  
b.eftekhari@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۶

## ۱. مقدمه

نظریات اتم‌گرایانه در یونان باستان<sup>۱</sup>، با وجود تفاوت‌هایشان درباره مسائل اخلاقی و الهی، همگی در باب طبیعت مکانیکی و مادی‌گرایی. محور مشترک همه نظریات اتم‌گرایانه این است که جهان محسوس ما از اتم‌ها تشکیل شده است. واژه اتم به معنای «تجزیه‌ناپذیر» است و بر تقسیم‌ناپذیری اتم در مقام کوچک‌ترین واحد تشکیل‌دهنده جهان مادی و محسوس دلالت دارد.<sup>۲</sup> بر اساس این دیدگاه، پدیده‌ها و تغییرات محسوس در جهان به تغییرات در دنیای اتم‌ها وابسته است. چنین دیدگاهی در برابر فلسفه ذات‌گرایانه ارسطویی قرار دارد. در نگاه ذات‌گرایانه ارسطویی، اشیا ماهیت مستقل دارند و تغییر در آن‌ها وابسته به خصوصیات ذاتی آن‌هاست. ناچاریم ویژگی‌های ذاتی اشیا و طبقه‌بندی ارسطو از آن‌ها را بفهمیم تا علت تغییر در آن‌ها را درک کنیم، چراکه در جهان ارسطویی علت تغییرات ناشی از ذات اشیاست. به بیان دیگر، باید متافیزیک بدانیم تا فیزیک را بفهمیم، حال آن‌که در فیزیک اتم‌گرایانه توضیح تغییرات وابسته به رفتار اتم‌هاست؛ اتم‌های شناور در تراکش علی، بدون غایت خاصی، تغییرات جهان را رقم می‌زنند.

در دنیای اسلام نیز متفکرانی به پیروی از این دو نگرش در برابر یک‌دیگر قرار گرفتند. در یک سو مشایبان بودند که برداشت ذات‌گرایانه از موجودات داشتند؛ در سوی دیگر متکلمان بودند که وجود را مقدم بر ذات موجودات می‌دانستند.<sup>۳</sup> متکلمان، به دلایل اعتقادی، هر نوع تقدم بر وجود را خلاف شأن قدرت مطلق پروردگار و آفرینش جهان مادی توسط باری تعالی می‌دانستند. از نظر ایشان، در جهان‌شناسی نیز حضور مستقیم پروردگار باید شالوده اصلی نظریه قرار بگیرد. به همین منظور، آن‌ها نظریه‌ای اتم‌گرایانه را برای تبیین طبیعت پروراندند که به خوبی از مبانی اعتقادی‌شان پشتیبانی می‌کرد. با این حال، این سؤال هست که چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین اتم‌گرایی متکلمان<sup>۴</sup> و سایر نظریات اتم‌گرایانه هست که با وجود مشابهت در نحوه تبیین آن‌ها از جهان مادی، برداشت‌های عقیدتی متفاوتی را در پی دارند. چنان‌که خواهیم دید، اتم‌گرایی کلام نوعی اعتقاد به غیرعلی بودن و تصادفی بودن روی دادهای طبیعی را در پی دارد که افرادی چون ابن‌رشد این دیدگاه را خلاف باورهای قرآنی دانسته‌اند.<sup>۵</sup> این دیدگاه امروزه حتی با اندیشه‌های الحادی معادل دانسته می‌شود و جا دارد که این مسئله با دقت بیش‌تری تحلیل شود.

این مقاله از دو بخش تشکیل شده است: در بخش نخست مبانی اعتقادی و شالوده جهان‌شناسی اتم‌گرایی کلام ارائه می‌شود؛ در بخش دوم با رویکردی تحلیلی سعی خواهم

نسبت بین فیزیک اتم‌گرایی کلام به مادی‌گرایی و الحاد ... (بنفشه افتخاری) ۳

کرد به ابزارهایی برای مقایسه و تطبیق این نظریه با سایر نظریات مشابه دست یابم. در نهایت، از چهارچوب نتایج به‌دست‌آمده استفاده خواهم کرد تا بگویم چگونه است که نظریهٔ خدااورانه نسبتاً رادیکالی چون اتم‌گرایی کلام می‌تواند با نظریات مادی‌گرا و بعضاً ملحدانه در یک دسته قرار گیرد.<sup>۶</sup>

## ۲. مبانی متافیزیکی اتم‌گرایی کلام و فیزیک آن

### ۱.۲ فیزیک و متافیزیک

قبل از ورود به بحث لازم است مفاهیم مدنظر تعریف شوند. فیزیک علمی است که به شناخت طبیعت می‌پردازد. از نظر ارسطو فیزیک علمی است که موضوعش جوهر است از آن جهت که متحرک است (Aristotle 2018). در ضمن، حرکت به مفهوم هر نوع تغییر<sup>۷</sup> قلمداد می‌شود، تغییر در ویژگی‌های جوهر چه به‌لحاظ کمی و چه به‌لحاظ کیفی.<sup>۸</sup> در جهان اسلام فارابی در طبقه‌بندی و تعریف مجدد علوم فیزیک را علم اجسام طبیعی و اعراض قائم به آن خواند (فارابی ۱۹۹۶: ۶۷). اگرچه این تعریف وابستگی بیش‌تری به اصطلاحات منطقی و مقولات دارد، اما به‌مانند تعریف ارسطو بر حرکت دلالت دارد.<sup>۹</sup>

در این مقاله نظریات متکلمانی مدنظر است که به تعاریف ارسطو یا فارابی در جهان‌شناسی خودپای‌بند نبوده‌اند.<sup>۱۰</sup> با این حال، آن‌ها صاحب نظریاتی در شناخت طبیعت و تبیین حرکت بودند که می‌توان آن‌ها را هم‌ارز نظریات فلاسفه قرار داد. بنابراین، در این مقاله «فیزیک» علم حرکت در جهان محسوسات ماست، این‌که حرکت چیست، چگونه توصیف و تبیین می‌شود.

هم‌چنان‌که در تعریف فیزیک از ارسطو وام گرفتیم، در تعریف متافیزیک نیز از تفکیک ارسطو بهره می‌جویم. ارسطو در تفکیک فیزیک و متافیزیک موضوع هر دو را موجود خوانده است. متافیزیک از آن جهت به موجود می‌پردازد که هست و فیزیک از آن جهت که موجود متحرک است. بدین ترتیب، فیزیک در اولویت پسین نسبت به متافیزیک قرار می‌گیرد. یعنی برای مطالعهٔ موجود اول بحث بودن یا نبودن یا چگونه‌بودن آن مطرح است و در مرحلهٔ بعد، اگر بدانیم که آن‌چه هست متحرک است، یعنی قابلیت تغییر دارد، و بخواهیم حرکتش را بررسی کنیم، وارد حیطهٔ فیزیک می‌شویم.<sup>۱۱</sup>

در مواجهه با آرای متکلمان بحث پیچیده می‌شود، چراکه ایشان برای ماهیت موجودات وجودی پیش از بودن آن‌ها قائل نبودند. به‌عبارتی، تنها هست مطلق خداوند است و همهٔ

موجودات، چه عینی، چه ذهنی، و چه اعتباری، همگی حادث‌اند و تا وجود نداشته باشند معنا و مفهومی ندارند. به زبان امروزی، متافیزیک ارسطویی ذات‌گرایانه است و می‌توان دربارهٔ ویژگی‌های موجودات، قبل از این‌که موجود باشند، بحث کرد؛ اما متافیزیک کلام غیرذات‌گرایانه است<sup>۱۲</sup> و فارغ از این‌که از چه بحث شود، ذاتیات مقدم بر بودن آن‌ها نیست.<sup>۱۳</sup> با این مقدمات، وارد مبانی متافیزیکی و فیزیکی کلام می‌شویم.

## ۲.۲ شاخص‌های متافیزیکی و هستی‌شناسانهٔ کلام

برداشت متداول از علم کلام اسلامی نظامی فکری است که اندیشمندان مسلمان در مواجهه با اندیشه‌های فلسفی، به‌خصوص یونانی، در دفاع عقلانی از دین وضع کرده‌اند. در پی تقابل متکلمان با یونانی‌مآبی غالباً کلام در شمار نحله‌های فلسفی نمی‌آید. با وجود این، در معنای کلی فلسفه، در مقام نظام استدلالی و عقلانی، کلام نظریهٔ مستقل فلسفی است.<sup>۱۴</sup> در واقع، کلام، مبتنی بر برداشت‌های خود از وحی و دین، نظام هستی‌شناسانهٔ مستقلی را در چهارچوبی مدلل عرضه می‌کند.<sup>۱۵</sup> با این وصف، نظام هستی‌شناسانهٔ کلام مبتنی بر برداشت آن‌ها از قرآن است، و شاخص‌های اصلی آن را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:<sup>۱۶</sup>

۱. جهان حادث از هیچ است. نص قرآن کریم بر خلقت جهان و شروع جهان از نقطهٔ آغازین دلالت دارد.<sup>۱۷</sup> متکلمان نیز بر همین اساس از حدوث جهان دفاع کرده‌اند. حکما نیز بر خلقت جهان و نص قرآن وفاق دارند؛ آن‌چه متکلمان و حکما در آن اختلاف دارند خلقت از هیچ است، به‌صورتی که نه جواهر و نه اعراض هیچ‌یک نبودند (جوینی ۱۹۹۵: ۱۲-۱۳) و عدم مطلق برقرار بود.<sup>۱۸</sup> در چنین برداشتی ماده برخلاف رأی اکثریت حکمای مشایی قدیم نیست (Wolfson 1976: 355-465)؛

۲. جهان فانی است. هم‌چنان‌که قرآن به خلقت و شروع جهان مادی اشاره کرده است، خبر از نیست‌شدن جهان مادی هم می‌دهد.<sup>۱۹</sup> در این مسئله هم تأکید متکلمان و محل اختلافشان با سایر نحله‌ها هیچ‌شدن جهان مادی بوده که با مفهوم ازلی ماده در تضاد است؛<sup>۲۰</sup>

۳. جهان متکثر است. در قرآن لفظ عالم به‌معنای جهان معمولاً به‌شکل جمع آمده است.<sup>۲۱</sup> متکلمان نیز با الهام از قرآن در نظریات خود از تکثر جهان دفاع می‌کردند و آن را براساس تعالیم وحی<sup>۲۲</sup> از نشانه‌های خداوند می‌دانستند (Setia 2004). از طرفی، دفاع از تکثر در جهان مادی به نفی نظریهٔ وحدت وجود می‌انجامد که متکلمان دلایل مختلفی برای نفی آن داشته‌اند؛<sup>۲۳</sup>

نسبت بین فیزیک اتم‌گرایی کلام به مادی‌گرایی و الحاد ... (بنفشه افخاری) ۵

۴. جهان علی نیست. اغلب متکلمان، به‌خصوص متکلمان اشعری، علیت را رد کرده‌اند. آن‌ها تلاش برخی فلاسفه را برای توجیه علی معجزات و پدیده‌های طبیعی نکوهیده‌اند و آن را خلاف باور به قدرت مطلق خداوند دانسته‌اند؛<sup>۲۴</sup>

۵. خالق و مخلوق متباین‌اند.<sup>۲۵</sup> از دید متکلمان جهان هستی فعل خداست و جدای از وی است.<sup>۲۶</sup> اگر خداوند در نظریه جهان‌شناسی بخشی از نظریه باشد، دون شأن پروردگار است و چپستی ذات خداوند در فهم بشر به‌سبب حصار در حیات دنیوی ممکن نیست (رازی ۱۹۸۷: ج ۲، ۸۸).<sup>۲۷</sup>

مواردی که به‌شکل فشرده ارائه شد تقریباً مورد اجماع اغلب متکلمان است. آن‌ها در نظریات جهان‌شناختی خود به این اصول پای‌بند بوده‌اند. با همه اختلافاتی که در آرا و جزئیات استدلال‌های آن‌ها مشاهده می‌شود، می‌توان نظریاتشان را در این کلیت جای داد. حال می‌خواهیم به نظریه اتم‌گرایی کلام پردازیم که تقریباً مقبول اکثریت متکلمان معتزلی و اشعری است.<sup>۲۸</sup>

## ۳.۲ اتم‌گرایی کلام

آنچه اتم‌گرایی کلام خوانده می‌شود نوعی نظریه اتم‌گرایانه است که نخست متکلمان معتزلی و سپس اشعری از آن دفاع کرده‌اند. نخستین نشانه‌های ظهور نظریه اتمی متکلمان به ابو‌هدیل علاف<sup>۲۹</sup> و مدرسه معتزلی بصره در قرن دوم هجری برمی‌گردد. او در بدو امر در مبانی و مسائل دچار تشنگی و چندگانگی بود که با گذشت زمان، شکل یک‌دست‌تر و کامل‌تری به‌خود گرفت. اتم‌گرایی کلام در دوره‌های مختلف و نزد متکلمان مختلف معتزلی و اشعری تفاوت‌هایی دارد. باین‌حال، درمورد شاخص‌های متافیزیکی که در بخش قبل توضیح داده شد می‌توان چهارچوب کلی اشتراکات آن‌ها را یافت.

در الگوی اتم‌گرایی کلام، هم‌چنان‌که از نامش پیداست، جهان مادی از اتم تشکیل شده است. در این‌که این اتم صرفاً فیزیکی یا مادی است، یا مفهومی و ریاضی بحث فراوان شده است.<sup>۳۰</sup> در هر صورت، چه اتم را صرفاً مادی بدانیم و چه ریاضی، جهان مادی ترسیم‌شده متکلمان اتم‌گرا متشکل از اتم‌هاست. اجسام چه مرکب و چه بسیط، همگی، از اتم تشکیل شده‌اند. به عبارتی، تنها عنصر بسیط نزد متکلمان<sup>۳۱</sup> اتم است و به همین دلیل، بسیاری از متکلمان لفظ جوهر یا جوهر فرد را بر اتم اطلاق کرده‌اند، چراکه به‌نظر ایشان فقط اتم‌ها موجودات قائم‌به‌خودند.

نه تنها جهان مادی ما، بلکه علی‌الاصول ابعاد نیز به لحاظ مفهومی و نظری دارای کمینه تقلیل‌ناپذیرند؛ یعنی برخلاف دیدگاه ارسطویی و مشایی که ابعاد را تا بی‌نهایت تقسیم‌پذیر می‌دانستند (افتخاری ۱۳۹۷)، نه تنها طول بلکه هر امتدادی مانند زمان نیز دارای کمینه است. نقطه کمینه طول و «آن»، یک لحظه تقسیم‌ناپذیر، کمینه زمان است. هم‌چنان که طول و زمان اتمی و متشکل از تجزیه‌ناپذیرهایند، حرکت و تغییر نیز چنین‌اند. تغییری که در یک لحظه، در یک «آن»، در مکانی به ابعاد یک اتم رخ می‌دهد یک اتم حرکت است.<sup>۳۲</sup> بدین ترتیب، جهانی که متکلمان توصیف می‌کنند متکثر از انواع اتم‌هاست.

اگرچه متکلمان اتم‌ها را جوهر خوانده‌اند، به وجود قائم‌به‌ذات و پیشینی، آن‌طور که از متافیزیک ارسطویی - سینیوی برداشت می‌شود قائل نیستند. اتم‌ها بدون هیچ ویژگی ذاتی توسط خالق خلق می‌شوند. اتم‌ها، بنابر اراده پروردگار، پس از خلق در جهان هستی دارای ویژگی می‌شوند یا اصطلاحاً اعراض در آن‌ها حلول می‌کنند.<sup>۳۳</sup> بنابراین، جهان در باور متکلمان اتم‌گرا از هیچ حادث می‌شود.<sup>۳۴</sup>

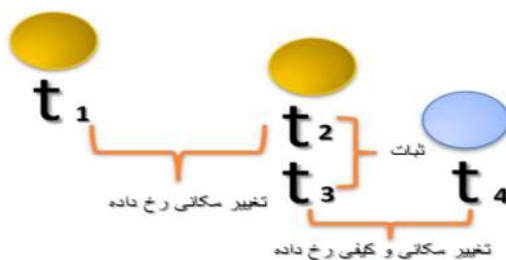
در نظام استدلالی متکلمان قانونی خلاف رأی ارسطویان وجود دارد که براساس آن قیام عرض به عرض جایز نیست.<sup>۳۵</sup> یعنی ویژگی عرضی جز بر جوهر نمی‌تواند قائم شود.<sup>۳۶</sup> بر این اساس، وقتی اتم در زمان و مکانی خاص خلق می‌شود متعلق به زمان و مکان دیگر نیست. اگر بخواهد زمان و مکانش تغییر کند، لازم است عرض بقا بر عرض خاص آن لحظه عارض شود که مجاز نیست. پس در لحظه دیگر مجدداً اتمی با عرض زمان و مکان خاص آن لحظه خلق می‌شود. براساس این دیدگاه، جهان در هر لحظه دوباره آفریده می‌شود. در چنین نظامی، از یک طرف، جهان فانی است و تنها به اراده پروردگار است که تداوم می‌یابد و در صورتی که خداوند نخواهد، به نیستی و هیچ برمی‌گردد.<sup>۳۷</sup> از طرف دیگر، هر تغییر و هر کنش و واکنشی نتیجه بازآفرینی اتم‌هاست و در چنین دیدگاهی توجیه پدیده‌های طبیعی علی نخواهد بود.

جهان محسوس ما متشکل از اتم‌هایی است که خداوند خلق می‌کند و این اتم‌ها وجود پیشینی ندارند.<sup>۳۸</sup> این جهان فعل خدا و خلقت خداست و متباین با خداوند. به این ترتیب، نظریه اتم‌گرایی کلام نظام جهان‌شناسانه‌ای ارائه می‌کند که قادر به برآورده کردن خواسته‌های متافیزیکی متکلمان بود، جهانی متکثر، حادث، فانی، غیرعلی و جدای از وجود پروردگار.

## ۴.۲ فیزیک اتم‌گرایی کلام

چنان‌که گفته شد، در دیدگاه متکلمان جهان متشکل از اتم‌هاست و اتم‌ها در هر لحظه آفریده و نو می‌شوند. این توصیف نگاهی هستی‌شناسانه به اتم‌گرایی کلام است. در این بخش با ره‌یافتی معرفت‌شناسانه به اتم‌گرایی کلام خواهیم پرداخت، به این ترتیب که انسانی که در جهان محسوس زندگی می‌کند براساس اتم‌گرایی کلام تغییرات را چگونه خواهد دید. به بیان دیگر، ناظر قائل به اتم‌گرایی کلام تغییرات را در جهان متحرک چگونه توضیح خواهد داد. او با این ره‌یافت واضح فیزیکی خواهد بود که ما آن را فیزیک کلام می‌خوانیم.

ناظری که در جهان محسوس ما قرار دارد دریافته است که جوهر یا اتم  $t_1$  در زمان  $t_1$  و در مکان  $x_1$  قرار دارد. از دارای ویژگی‌ها و اعراض خاص خود است، طوری که در جهان محسوس ما دارای رنگ و وضع شناخته شده است.<sup>۳۹</sup> ناظر در لحظه بعد،  $t_2$  می‌بیند که از  $t_1$  به مکان  $x_2$  منتقل شده است. توضیح اتم‌گرایی کلام این است که در لحظه اول از در مکان  $x_1$  خلق شده است؛ ولی در لحظه بعد، اتمی که ناظر در مکان  $x_2$  مشاهده می‌کند از نیست، بلکه اتمی دیگر مثلاً  $t_2$  است که واجد ویژگی‌های کیفی یکسان با  $t_1$  است؛ ولی از آن‌جاکه ناظر نمی‌توانسته از  $t_1$  از  $t_2$  تمیز دهد، تصور می‌کند که همان اتم از مکان  $x_1$  به  $x_2$  رفته است؛ در صورتی که در لحظه  $t_3$  اتم  $t_3$  در همان مکان با همان ویژگی‌ها خلق شود، ناظر متوجه هیچ تغییری نمی‌شود. اگر در  $t_4$  علاوه بر مکان متفاوت  $t_4$  با ویژگی‌های کیفی دیگری خلق شود، ناظر علاوه بر تغییر مکانی متوجه تغییر کیفی نیز می‌شود.



شکل ۱. تغییر اتمی در لحظات مختلف

بر این اساس، بسته به این‌که اتم خلق شده واجد همان اعراض لحظه قبلی باشد یا متفاوت، ناظر در جهان محسوس ثبات یا تغییر را حس می‌کند. بنابراین، وقتی ناظر مشاهده می‌کند که گلی باطراوت و زیبا خشک شده است به معنای این است که آن‌چه وی به‌عنوان

گل دریافت می‌کند در دو لحظه متفاوت با اعراض متفاوت بوده است و وقتی که گل را هم‌چنان بانشاط و باطراوت می‌بیند یعنی اتم جدید با اعراض یک‌سان گذشته خلق شده است. باین‌وصف، آنچه ما در جهان محسوس به‌عنوان تغییر دریافت می‌کنیم تنها بازآفرینی اتم‌های متفاوت است. تغییر یا پدیده‌ای که ما مشاهده می‌کنیم بنابر رابطه‌ای علی ناشی از خصوصیات ذاتی اشیا نیست، بلکه ما فقط به‌ارادهٔ پروردگار تغییری را مشاهده کرده‌ایم. پدیده‌ها هیچ علتی جز خواست پروردگار ندارند. به‌عبارتی، آنچه ما مشاهده می‌کنیم صرفاً توالی روی داده‌است، نه اثرگذاری روی داده‌ها در یک‌دیگر، یا منتج‌شدن روی دادی از روی داد قبلی. به این ترتیب، پدیده‌ها علتی از خود و وابسته به جهان طبیعت ندارند. براساس باور ناظر معتقد به اتم‌گرایی کلام، پدیده‌ها علتی جز حکمت و خواست خداوند ندارند، و خداوند نیز متباین با جهان مادی است. پس ما قادر نیستیم علت پدیده‌ها را بفهمیم، چراکه ما مخلوق خداوندیم و قادر به درک ارادهٔ الهی نیستیم.<sup>۴۰</sup>

باین‌حال، این‌گونه نیست که اتم‌گرایی کلام ما را از درک و نظردادن درباب پدیده‌های طبیعی کاملاً خلع و در شکاکیت مطلق رها کرده باشد.<sup>۴۱</sup> درواقع، بنابر نص قرآن، خداوند اراده کرده است که جهان بنابر سنت‌های ثابتی حرکت کند (عادات خدا).<sup>۴۲</sup> همواره مشاهده می‌کنیم که اگر به گل آب ندهیم گل خشک می‌شود؛ این سنتی است از سوی پروردگار که همواره ثابت است. به‌عبارتی، بنابر لطف پروردگار، جهان با سنت‌های ثابت تداوم می‌یابد. به‌بیان‌دیگر، چینش و بازآفرینی اتم‌ها با نظمی تکرارشونده در جهان رخ می‌دهد.<sup>۴۳</sup> پس ما براساس ثبات این سنت‌ها قادریم پدیده‌ها را توصیف و با استخراج نظم تکرارشونده حاکم بر آن‌ها پیش‌بینی کنیم. درنتیجه، قادریم پدیده‌ها را بشناسیم و آن‌ها را در زندگی مدیریت کنیم.<sup>۴۴</sup>

بر این اساس، ما توصیفی صرفاً سینماتیکی از حرکت داریم. اگر هم چیزی به‌عنوان دینامیک در بررسی حرکت در نظر گرفته شود، جز توالی مشابه روی داده‌های مشابه نیست. برای مثال، مانند فیزیک ارسطویی و مشایی نیست که اگر سنگی به‌سمت زمین سقوط کند، به‌علت خصوصیات ذاتی آن سنگ باشد که به‌سمت زمین حرکت می‌کند، بلکه به‌دلیل سنت الهی است که هرگاه سنگ در فاصله‌ای از سطح زمین باشد و مانعی نداشته باشد، در لحظهٔ بعد در مکانی به‌سمت زمین قرار خواهد داشت.

مک‌گینس (2013) این برداشت توصیف‌گرایانه از حرکت و درنظرگرفتن ارادهٔ مستقیم خداوند را مقارنه‌گرایی (occasionalism) خوانده است.<sup>۴۵</sup> این دیدگاه دربین فیزیک‌دانان متأله قرن هفدهم هم‌چون لایپنیتس متداول بوده است. باوجوداین، نگاه کنج‌کاو مورخ



فلسفه و علم که به اتم‌گرایی علاقه‌مند باشد متوجه این سؤال می‌شود که چگونه است که اتم‌گرایی به‌شکلی دوسویه هم نظریه‌ای مادی‌گرایانه و در خدمت ملحدان بوده است و هم در خدمت مقارنه‌گرایان که به‌شکلی رادیکال، حضور مستقیم اراده الهی را در تمامی پدیده‌های طبیعی توضیح می‌دهند. بدین منظور، لازم است مفاهیمی را که درباره اتم‌گرایی کلام توضیح داده شد با صورت‌بندی جدیدی که در مقدمه عنوان شد بازنویسی کنیم.

### ۳. بازنویسی چهارچوب‌ها و تحلیل نظریه با معیارهای جدید

در این بخش قصد دارم با رویکرد تحلیلی به صورت‌بندی جدیدی برای بررسی مسئله دست یابم، تا به‌وسیله آن ساختار نظریه اتم‌گرایی کلام، فیزیک آن، و فصل مشترک این نظریه را با دیگر نظریات اتم‌گرایانه پیدا کنم.<sup>۴۶</sup> تصمیم به بازنویسی و مشخص کردن چهارچوب‌های جدید برای این مقاله به این دلیل بود که وجه مشترک اتم‌گرایی کلام و دیگر نظریات اتم‌گرایانه با معیار مکاتب شناخته‌شده به‌دست نمی‌آمد. بدین منظور، در ابتدا مفهوم بسته‌بودن نظریه تعریف می‌شود.

### ۱.۳ بسته‌بودن فیزیک کلام نسبت به متافیزیک

بسته‌بودن نظریه به مفهوم این است که نظریه در حل مسئله یا مسائل خود خودکفاست. بسته‌بودن می‌تواند برای تک‌نظریه یا نظامی از نظریات یا شاخه‌ای از علم در نظر گرفته شود.<sup>۴۷</sup> بسته‌بودن مفهومی نسبی است. برای مثال، بدیهی است که هیچ علمی را نمی‌توان به‌معنای مطلق خودکفا دانست. علوم مختلف همواره از لحاظ نظری به علوم بنیادی‌تر وابسته‌اند و در حل مسائل خود ناچار به استفاده از ابزارهایی چون ریاضیات، آمار، یا منطق‌اند. ولی اگر در شاخه‌ای علمی به شاخه دیگری از علم نیاز نباشد، علم نخست نسبت به علم دوم بسته است. برای مثال، با تقریب و مسامحه می‌توان گفت که فیزیک نسبت به دیگر شاخه‌های علوم تجربی بسته است، ولی عکس این رابطه درست نیست. هم‌چنین، شاید بتوان گفت که ریاضی نسبت به فیزیک بسته است.

برای این که مطلب روشن‌تر شود، گریزی می‌زنیم به فیزیک غالب در دوره قرون وسطی، یعنی فیزیک ارسطویی. در فیزیک ارسطویی حرکت به‌فعلیت رسیدن آن چیزی است که در ماده بالقوه است.<sup>۴۸</sup> برای مثال، دانه گندم بالفعل یک دانه گندم است، ولی «خوشه گندم‌بودن» در آن مستتر، دست‌یافتنی، یا بالقوه است. دانه گندم برای رسیدن به آن

غایت حرکت می‌کند. در فیزیک ارسطویی حرکت علت دارد و علت غایی یکی از علل حرکت است. از عوامل غایی رسیدن به جایگاه طبیعی حرکت است. برای مثال، سنگ برای رسیدن به جایگاه طبیعی خود به سمت مرکز زمین حرکت می‌کند و آتش برای نیل به آن بالا می‌رود. طبیعی‌دان ارسطویی برای تحلیل حرکت نیازمند این است تا علل غایی یا صوری هر متحرک را بشناسد. برای شناختن علل غایی و صوری باید ویژگی‌های ذاتی و عرضی آن‌ها را بشناسد. سخن از چیستی موجودات سؤال فیزیک نیست، بلکه سؤال متافیزیک است. پس طبیعی‌دان، در نظام ارسطویی، برای شناخت و تحلیل حرکات و تغییر نیازمند متافیزیک است. به عبارتی، فیزیک ارسطویی نسبت به متافیزیک بسته نیست.

حال برای مثال، در این بستر الگوی اتم‌گرایی دموکریتی را با فیزیک ارسطویی قیاس می‌کنیم. در الگوی دموکریتی تغییرات با فعل و انفعالی که اتم‌ها با یکدیگر دارند توضیح داده می‌شود. اتم‌ها اندازه و شکل متفاوت دارند و تفاوت محسوس در اشیای مختلف ناشی از همین تفاوت است. اتم‌ها در خلأ شناورند و گاه به هم برخورد می‌کنند و از برخورد و بهم‌پیوستن آن‌ها تغییر در جهان محسوسات رقم می‌خورد. بین این تغییرات و حرکات اتم‌ها روابط علی مادی محض برقرار است. اما علت تغییرات تنها کنش و واکنش بین خود اتم‌هاست. پس فیزیک دموکریتی با چیستی و ماهیت اشیا سروکار ندارد، بلکه تغییر را فقط با روابط بین اتم‌ها توضیح می‌دهد.<sup>۴۹</sup> از این‌رو، فیزیک دموکریتی نسبت به متافیزیک ارسطویی بسته است.

با این مقدمات، به بحث اصلی یعنی اتم‌گرایی کلام می‌پردازیم. چنان‌که گفته شد، در اتم‌گرایی کلام تغییرات در جهان ناشی از بازآفرینی اتم‌ها با عوارض متفاوت است. این‌که چه تغییری، چگونه و چرا رخ می‌دهد وابسته به ذات اشیا نیست. اتم‌ها در لحظه خلق عاری از هر نوع ویژگی و ذات‌اند. در بررسی علل روی داده‌های طبیعی تنها مطالعه توصیفی پدیده‌ها به‌عنوان سنت‌های الهی ممکن است و فیزیک و مطالعه حرکت صرفاً توصیفی است. تنها یک علت برای همه پدیده‌ها وجود دارد و آن نیز براساس اصل تباین وجود خداوند متباین با جهان ماده و فعل و انفعالاتش است. پس در جهان محسوس، به‌لحاظ معرفت‌شناختی، علم فیزیک به توصیف حرکت در جهان ماده منحصر است و مانند فیزیک ارسطویی با ماهیات آن سروکار ندارد. بنابراین، فیزیک کلام در حیطه خود علم بسته‌ای است و به متافیزیک با تعریف ارسطویی وابسته نیست. بدین شکل، برخلاف فیزیک ارسطویی که کاملاً به متافیزیک وابسته است، در فیزیک کلام متافیزیک، به‌خصوص نگرش ذات‌گرایانه در متافیزیک، طرد می‌شود.

### ۲.۳ بسته‌بودن فیزیک مادی‌گرایانه و فیزیک کلام به‌عنوان فیزیکی مادی‌گرا

مادی‌گرایی یا ماتریالیسم، در تعریف جدید، اصالت‌دادن به وجود مادی است و این‌که قائل باشیم همه‌چیز در جهان از ماده ساخته شده است. درمقابل، ایده‌گرایی قرار دارد که به ایده‌ها و معانی اصالت می‌دهد و بر مقدم‌بودن تشکیل معانی و مفاهیم در ذهن تأکید دارد. در جهان فیزیکی که باورمندان به ماده‌گرایی ترسیم می‌کنند همه موجودات از جمله انسان‌ها صرفاً وجود مادی و زیستی دارند. ماده قدیم و ازلی است، نه به‌وجود می‌آید و نه از بین می‌رود.<sup>۵۰</sup> حال، می‌خواهیم با توجه به صورت‌بندی‌ای که برای بسته‌بودن نظریه دادیم مادی‌گرایی را بازتعریف کنیم. براساس مادی‌گرایی، جهان محسوس ما از ماده است. قوانین متافیزیکی مقدم بر وجود مادی نیست. بر این اساس، فیزیکی که برپایه مادی‌گرایی بنا شده باشد نسبت به جهان مادی بسته است. خارج از جهان مادی عاملی بر تغییراتی که در جهان محسوس رخ می‌دهد وجود ندارد. با این تعبیر، خودبه‌خود می‌توان الحاد را از مادی‌گرایی مطلق نتیجه گرفت.<sup>۵۱</sup> مجموعه بسته‌ای که هیچ عامل خارجی‌ای در آن اثر نداشته باشد به معنای رد وجودی برتر، آفریننده، و تأثیرگذار در آن است.

با این حال، مسئله این‌جاست که مفهوم بسته‌بودن یک جهان مطلق نیست و در تنگنای معرفت‌شناختی قرار دارد. از دیدگاه ماده‌گرایی، قوانین عقلی و استدلال‌های ذهنی ما بر ماده تقدم ندارد. پس ما انسان‌ها به‌منزله عضوی از جهان مادی نمی‌دانیم و نمی‌توانیم از بیرون از جهان مادی خبر داشته باشیم. پس رد این‌که عامل خارجی بر جهان مادی و محسوس ما اثر دارد یا نه در تنگنای معرفت‌شناختی قرار دارد و مفهوم مطلق نیست. درواقع، کسی نمی‌داند که نیروی خارجی در جهان محسوس او اثر ندارد.<sup>۵۲</sup> اگر وی معتقد باشد که دانستن یعنی داشتن باور صادق موجه، که توجیه باور به وسیله تجربه مادی قابل‌اثبات است، نمی‌تواند به جهان خارج آگاهی پیدا کند. درواقع، این صرفاً باور ذهنی اوست که نیروی خارجی در جهان مادی اثری ندارد. پس درحقیقت مادی‌گرا با نظام استدلالی خود تنها به شکاکیت می‌رسد، نه به الحاد مستدل؛ به عبارتی، اگرچه فیزیکی که برای جهان محسوس خود دارد مستقل از مفهوم خداست، اما نمی‌تواند مدعی شود که این فیزیک اثباتی بر نبود جهان غیرمادی یا نبود نیروی تأثیرگذار محیط در جهان مادی است. این استدلال کلیت فیزیک مادی‌گرایانه را نشانه می‌گیرد و برای مدل‌های خاصی مانند اتم‌گرایی دموکریتی یا دالتونی هم معتبر است.

حال به موضوع خود یعنی اتم‌گرایی کلام برمی‌گردیم. در نظریه فیزیکی کلام ناظر اجسام و پدیده‌هایی را مشاهده می‌کند و معتقد است که اجسام هیچ ویژگی پیشینی و

ماهوی‌ای ندارند. فیزیکی که براساس آن پدیده‌ها را توضیح می‌دهد نسبت به متافیزیک بسته است و صرفاً براساس آنچه در جهان مادی تجربه و مشاهده کرده است قوانینی را برای توصیف پدیده‌ها بیرون کشیده است. او باور دارد که علت هر پدیده‌ای اراده‌ی خداوند است و وجود خداوند متباین با خود و جهان خلقت است.

متکلم اتم‌گرا، به‌مانند متکلم مادی‌گرا، وجود قوانین متافیزیک و ذاتیات اشیا را به‌شکل پیشینی رد می‌کند و فیزیکی دارد که به متافیزیک ذات‌گرایانه وابسته نیست، ولی برخلاف مادی‌گرا (که باور دارد علتی خارج از جهان مادی نیست)، باور دارد تنها علت پدیده‌های طبیعی اراده‌ی خداوند است. درست مانند مادی‌گرا، متکلم اتم‌گرا نیز در تنگنای معرفت‌شناختی نسبت به جهان خارج است و او نیز قوانین پیشینی حاکم بر وجود مادی ندارد. پس اگر او هم دانستن را باور صادق موجه فرض کند، نسبت به جهان خارج به شکاکیت می‌رسد نه الحاد. پس این ادعا درست نیست که فیزیک کلام به‌دلیل مشترکاتی که با مادی‌گرایی دارد الحادی است.

### ۳.۳ تصادفی‌بودن روی‌دادها در فیزیک کلام

نکته خاصی که برخلاف دیگر مکاتب اتم‌گرایانه متوجه اتم‌گرایی کلام می‌شود طرد علیت مادی در نتیجه‌ی مقارنه‌گرایی است. وقتی ما به علم و حکمت خداوند آگاهی نداریم و نیز باور داریم که ممکن است بنابر اراده‌ی الهی توالی حوادث و روی‌دادها به‌هم بخورد، پس ممکن است رخدادی همانند قبل تکرار نشود. آنچه ناظر محصور در جهان مادی درک می‌کند تصادفی‌بودن روی‌دادهاست.<sup>۵۳</sup> روی‌داد تصادفی روی‌دادی است که قابل‌پیش‌بینی نباشد. به‌بیان دقیق‌تر، وقتی ما به علیت محض معتقد باشیم یعنی باور داریم که وقتی علت رخ دهد باید معلول رخ دهد. پس قادریم امکان و احتمال رخ‌دادن معلول را باتوجه‌به علت پیش‌بینی کنیم. اگر علیت را انکار کنیم، قدرت پیش‌بینی و تخمین احتمال وقوع چیزی به‌نام معلول را از دست می‌دهیم. پس روی‌دادها با استلزام منطقی برای ما قابل‌پیش‌بینی نیستند، در نتیجه آن‌ها تصادفی‌اند. با این حال، اگرچه در فیزیک کلام ناظر در وضعیتی است که در جهان خود برای روی‌دادها علتی قائل نیست، اما باور دارد که قدرت مطلقه‌ی بیرون از جهان مادی عامل مستقیم آن روی‌دادهاست. سؤال این‌جاست که آیا تصادفی‌بودن روی‌داد در جهان مادی اثبات الحاد است؟ آیا ناظری که با فیزیک اتم‌گرایی کلام جهان مادی را درک می‌کند دچار تناقض است؟ آیا صرفاً در ذهن خود به خداوند باور دارد و درعین حال

نسبت بین فیزیک اتم‌گرایی کلام به مادی‌گرایی و الحاد ... (بنفشه افتخاری) ۱۳

فیزیک الحادی را پذیرفته است؟ دلیل این اتهام آن است که اتم‌گرا معتقد به تباین است و در جهان مادی و محسوس راهی به شناخت عالم غیر محسوس ندارد.

حال برای مقایسه ساده‌تر، این دو تبیین را به صورت منطقی بازنویسی می‌کنیم.

- ناظر ن در جهان ج زندگی می‌کند (ن متعلق به ج هست)؛

- ن روی داد ر را در جهان مشاهده می‌کند؛

- ر علتی در ج ندارد (ر متعلق به ج نیست)؛

با این حال:

- الف) خدا بیرون از جهان محسوس ما علت هر روی داد است.

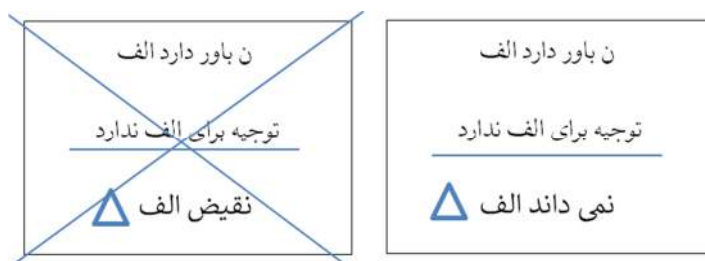
- ن الف را باور دارد: ناظر خدا باور است.

- پ) اگر ن باور دارد الف <<< الف برای ن موجه است >>> ن الف را می‌داند.

اگر پ به دست آید، نتیجه این استنتاج این می‌شود که ناظر در چهارچوب اتم‌گرایی کلام می‌داند که خدا علت روی داد است و فیزیک و نظام فکری او الحادی نیست. ولی اگر موجه بودن الف به پرسش کشیده شود (نقیض پ)، در نهایت به این نتیجه می‌رسیم که ناظر نمی‌داند که خدا علت روی داد است؛ یعنی فیزیکی که وی خود را مقید به فهم طبیعت از طریق آن کرده است در این باره که آیا خداوند علت مستقیم است یا نه او را به شکاکیت می‌رساند، نه به الحاد.

به زبان منطق، این استنتاج به این شکل درمی‌آید که وقتی ناظر در جهان محسوس نداند که الف درست است اثبات نمی‌شود که الف درست نیست. اگر برای باور توجیه نداشته باشد، صرفاً به شکاکیت می‌رسد، یعنی نمی‌داند که خداوند علت مستقیم پدیده‌هاست و برای او اثبات نمی‌شود که خدا علت مستقیم پدیده‌ها نیست.

- توجیه برای الف ندارد <<< نمی‌داند الف؛ اما نقیض الف استنتاج نمی‌شود.



به عبارتی، حتی باین که ناظر به دلیل تنگنای معرفت‌شناختی حوادث و روی‌دادها را تصادفی می‌داند، دچار الحاد نمی‌شود.

#### ۴. نتیجه‌گیری

در این مقاله مبانی متافیزیکی و چهارچوب کلی فیزیک اتم‌گرایی کلام تشریح شد. نشان داده شد که فیزیک اتم‌گرایی کلام فیزیکی است توصیفی و غیرعلی. فیزیک کلام به دلیل این که نظام متافیزیکی ذات‌گرایانه‌اشایی را رد می‌کند به متافیزیک ذات‌گرایانه نیازمند نیست. با تعریف مفهوم بسته‌بودن نظریه به‌عنوان نظریه‌ای که در حل مسئله خود خودکفاست به این نتیجه رسیدیم که فیزیک کلام، هم‌چون دیگر فیزیک‌های اتم‌گرایانه، نسبت به متافیزیک ذات‌گرایانه ارسطویی بسته است و از آن‌جاکه نسبت به جهان مادی بسته است، نظریه فیزیکی مادی‌گرایانه به‌شمار می‌رود. اما فیزیک مادی‌گرایانه به‌معنای فیزیک ملحدانه نیست. فیزیک کلام، برخلاف دیگر نظریات اتم‌گرایانه، غیرعلی و تصادف‌گراست. تصادف‌گرایانه‌بودن آن نیز مستلزم الحاد نیست.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. در هند و ایران باستان نیز نظریات اتم‌گرایانه در فهم طبیعت وجود داشته است، ولی در مورد پرسش‌های مرتبط با این مقاله اطلاعات ما از آن‌ها اندک است.
۲. اتم لزوماً به کوچک‌ترین واحد مادی اطلاق نمی‌شود، بلکه هر کمینه تجزیه‌ناپذیری را می‌توان اتم در نظر گرفت. ولی در این مقاله، بحث ما درباره جهان مادی و محسوسات است.
۳. اگرچه اشراقیون و ملاصدرا نیز بعداً چنین دیدگاهی ارائه کردند، اما این‌جا مقصود جهان‌بینی متکلمان معتزلی و اشعری است که با هر نوع تقدم پیش از وجود مخالف بودند.
۴. اتم‌گرایی ارائه‌شده از سوی متکلمان «اتم‌گرایی کلام» خوانده می‌شود.
۵. ابن‌رشد در *تهافت‌التهافت* بیان کرده است که آیاتی در *قرآن* هست که بر قابل‌پیش‌گویی بودن رخدادهای طبیعی دلالت دارد و بیان‌گر این است که علم به قوانین طبیعت امکان‌پذیر است و این مسئله خلاف نظریات متکلمان درباره علیت است (ابن‌رشد ۱۹۹۳: ۲۹۷).
۶. این مقاله در پاسخ به سؤالی است که در جلسه دفاع این‌جانب طرح شد: «چگونه است که خداووران رادیکال می‌توانند از نظریه اتم‌گرایانه دفاع کنند که همواره مادی‌گرا و بعضاً ملحدانه بوده است؟». البته در خلال مطالعاتم دریافتم که نظریه اتم‌گرایی کلام به نظریات متأللهانی چون

- لایب‌نیس یا نیکولاس کوزایی بسیار شبیه است و گویی از اساس درست نیست که اتم‌گرایی با الحاد هم‌ارز قرار گیرد. در این مقاله به تفصیل در این باب بحث می‌شود.
۷. تغییری که در این جا بحث می‌شود تدریجی است. ارسطو تغییر را یا دفعی می‌داند که جایگاه آن را در مقوله کون و فساد قرار می‌دهد، یا تدریجی که تغییرات در کیف و کم را در بر می‌گیرد.
۸. در جهان‌شناسی ارسطو جهان از حیث تغییر به جهان زیر فلک قمر و بالای آن تقسیم می‌شود. در جهان زیر قمر است که تغییر و دگرگونی رخ می‌دهد.
۹. در تعریف فارابی اجسام طبیعی و اعراض قائم به آن‌ها موضوع علم فیزیک است و جسم طبیعی جوهری است که حرکت در آن رخ می‌دهد و به عبارتی حرکت تغییر در اعراضی است که بر این جوهر قائم‌اند.
۱۰. این که آیا در این دوره متکلمان معتزلی و سپس اشعری اساساً علوم را تعریف یا طبقه‌بندی کرده‌اند یا نه برای نگارنده مجهول است. روش مند نیست که وقتی درباره نظریات متکلمان صحبت می‌کنیم از تعاریف فلاسفه قرض بگیریم که در بیش‌تر موارد نظریاتی متقابل و متضاد داشته‌اند. با این حال، می‌توان دید که متکلمان در آثار خود به طبیعت، جهان محسوسات، و تبیین تغییر پرداخته‌اند و درباره آن‌چه ما در این مقاله فیزیک خوانده‌ایم نظریه دارند.
۱۱. به بیانی ساده، وقتی سؤال از بودن موجودات و چیستی آن‌ها، اعم از مادی و غیرمادی، است بحث متافیزیکی است؛ ولی وقتی از حرکت یا تغییر در آن‌ها گفته می‌شود فیزیکی است. در این مقاله نیز هر جا نام متافیزیک می‌آید، با همین اسلوب، منظور بحث از بودن و چیستی موجودات است.
۱۲. مورخان فلسفه متخصص در کلام در ذات‌گرایانه‌بودن کلام توافق دارند. اما در این‌که در مقابل ذات‌گرایی چه قرار دهند اختلاف دارند و نظریات مختلفی مطرح کرده‌اند، از جمله پدیدارگرایی (phenomenalism) و نام‌گرایی (nominalism) (Ibrahim 2020).
۱۳. به عبارتی در متافیزیک ارسطویی - سینیوی موجودات واجب‌الوجود بالذات‌اند، ولی در کلام موجودات واجب‌الوجودند (El-Bizri 2001).
۱۴. از آن‌جاکه در جهان اسلام واژه فلسفه به‌طور خاص به حکمت مشاء یا فلسفه یونانی و بالخصوص ارسطویی برمی‌گردد و متکلمان علی‌الاصول با مبانی فکری مشایبان مخالف بوده‌اند، این تصور در ذهن عموم شکل گرفته است که نمی‌توان کلام را نحلّه فلسفی در نظر گرفت، حال آن‌که اگر فلسفه را صرفاً به مکاتب یونانی و ارسطویی تقلیل ندهیم، کلام خود دارای مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی مستقل در نظام عقلائی است و نظریه مستقل فلسفی به‌شمار می‌رود.
۱۵. کلام در مقاله مک‌گینیس (McGinnis 2013) این‌گونه تعریف شده است:

گریفل، کلام شناس معاصر، نیز ذکر می‌کند که کلام بر اثبات چند نظریه الهیاتی شاخص به‌روش عقلانی تاکید دارد:

Kalam focuses on establishing and defending certain theological positions through the use of rational arguments (Griffel 2018).

در این بخش سعی شده است همین شاخص‌ها به‌شکل خلاصه ارائه شود.

۱۶. هدف از این مبحث ارائه چهارچوب کلی هستی‌شناسانه‌ای نیست که همه نظریات متکلمان در آن جای بگیرند، بلکه زیربنای متافیزیکی اتم‌گرایی کلام مدنظر است. می‌توان تحلیل کرد که همگی این موارد با برداشت متکلمان از مفهوم توحید ارتباط تنگاتنگ داشته‌اند (برای مطالعه بیشتر، بنگرید به حسینی‌شاهرودی و مشهدی ۱۳۹۱).

۱۷. برخی از آیات قرآن (اعراف: ۷، سجده: ۴، هود: ۷ و غیره) بر پیدایش جهان در هفت روز و آفرینش یا حدوث دلالت دارند.

۱۸. این مسئله در مقاله براتی (۱۳۸۶) به‌خوبی تشریح شده است.

۱۹. آیاتی چون آیه ۲۶ سوره الرحمن و هم‌چنین سوره‌هایی چون تکویر و قاریه نیز بر نابودی و عدم جهان مادی دلالت دارند.

۲۰. ماده طبق اصل پارمینیدسی بقای ماده نه به‌وجود می‌آید، و نه از بین می‌رود. این اصل در اغلب نظریات فیزیکی یونان باستان بعد از پارمیندس پذیرفته شده است. حکمای اسلامی هم اگرچه به خلقت جهان و قیامت براساس نص قرآن باور داشتند، اما نظریات فلسفی خود را به‌گونه‌ای با این اصل انطباق می‌دادند.

۲۱. برای مثال، در این آیات لفظ عالمین یا عوالم آمده است: فاتحه: ۱؛ بقره: ۴۷، ۱۲۲، ۱۳۱، ۲۵۱.

۲۲. در قرآن آیاتی هست که تکرر در آفرینش را از نشانه‌های خدا می‌داند (روم: ۲۲). متکلمان نیز بر همین اساس تلاش حکما برای وحدت‌بخشی به جهان متکثر را کاری عبث می‌دانستند (Eftekhari 2017: 23-27).

۲۳. نظریه وحدت وجود متضمن وحدت خداوند با جهان هستی بود که برخلاف دیدگاه متکلمان مبنی بر تباین پروردگار از جهان مخلوق بود.

۲۴. مسئله رد علیت وجوه متعددی دارد: در آن بخشی که به اختیار انسان مربوط مرتبط می‌شود بین کلام معتزلی و اشعری اختلاف هست؛ ولی در بخشی که به جهان مادی و اشیا و پدیده‌های طبیعی مربوط می‌شود هر دو تقریباً بر این اتفاق نظر دارند که پدیده‌های طبیعی باید مستقیم به اراده خداوند مرتبط باشد (Wolfson 1976: 518-600; Pines 1997: 2; McGinnis 2013). در ادامه مقاله با رجوع به آثار خود متکلمان در مورد این مسئله بیشتر بحث خواهد شد.



نسبت بین فیزیک اتم‌گرایی کلام به مادی‌گرایی و الحاد ... (بنفشه افتخاری) ۱۷

۲۵. این جانب این مسئله را از مقاله معصومی (۱۳۶۵) فهمیدم؛ ولی مقالات بسیاری مختص این مطلب نوشته شده است، از جمله حسینی‌شاهرودی و مشهدی ۱۳۹۱.

۲۶. این حکم از دل سلسله براهینی بیرون می‌آید که در مسئله تشکیک در وجود، افعال خدا و بنده، و علم خدا و بنده مطرح می‌شود و پرداختن به جزئیات آن خارج از محور اصلی این مقاله است.

۲۷. فخر رازی می‌گوید: «هو أنا فی هذه الحیاة الدنیا. هل تعرف تلك الحقیقة المخصوصة؟ فنقول: ان هذه لمعرفة غیر حاصله» و سپس در یک فصل به دلایل آن می‌پردازد (الرازی ۱۹۸۷: ۸۸-۹۸). بر همین اساس، متکلمان با نظریات حکما که خداوند را علت اولی یا مرکز فیض دانسته‌اند مخالف بودند و آن را مخالف اصل تباین پروردگار از جهان خلقت می‌دانستند.

۲۸. این بخش در مقالات مختلفی به شکل‌های مختلفی بیان شده است؛ به متون اصلی متکلمان مختلف قابل ارجاع است، اما برای پرهیز از دوباره‌کاری و مطول‌شدن کلام از آن‌ها صرف‌نظر شده است. برای رجوع به متون اصلی متکلمان، بنگرید به صبره ۲۰۰۹؛ افتخاری ۱۳۸۶.

۲۹. محمد بن هذیل بن عبدالله (یا عبدالله) معروف به ابو هذیل علاف (۱۳۵-۲۳۵ ق).

۳۰. اگر اجسام مادی صرفاً متشکل از اتم‌ها و ابعاد آن‌ها تا بی‌نهایت تقسیم‌پذیر باشد، اتم‌گرایی صرفاً فیزیکی و مادی است؛ ولی اگر باور بر این باشد که نه تنها اجسام بلکه ابعاد به لحاظ مفهومی دارای کمینه تقلیل‌ناپذیرند، اتم ریاضیاتی و مفهومی می‌شود. اتم در اتم‌گرایی کلام مفهومی و ریاضیاتی است (Eftekhari 2017).

۳۱. در این مقاله، هر جا از متکلم صحبت شده است منظور متکلمان اتم‌گیرند، چه معتزلی و چه اشعری.

۳۲. درباره حرکت اتمی کلام به تفصیل در مقاله افتخاری (۱۳۹۸) بحث شده است.

۳۳. اشعری در توصیف اتم‌ها به نقل از ابو هذیل ذکر می‌کند: اتم‌ها نه طول دارند، نه عرض، و نه عمق، نه اجتماعی دارند و نه افتراق تا این که خدای سبحان به آن‌ها اجازه تشکیل یا جدایی دهد (اشعری ۱۹۸۰: ۳۱۴).

۳۴. در بین اتم‌گرایان اولیه، تعابیر متفاوتی از اتم وجود دارد. متعاقب این تعابیر متفاوت، مورخان مدرن نیز ریشه‌های متفاوتی برای نظریات آن‌ها در نظر گرفته‌اند. برای مثال، راشد (۲۰۰۵) عمدتاً انگیزه‌های ریاضی را دخیل می‌داند؛ پینس (۱۹۴۷، نسخه ترجمه به انگلیسی) اتم‌گرایی کلام را وام‌گرفته از اتم‌گرایی هندی تلقی کرده و ذنانی (۲۰۰۵) بر ریشه اپیکوری اتم‌گرایی کلام تأکید داشته است. باین حال، می‌توان گفت که همگی آن‌ها در این امر، یعنی حادث‌شدن لحظه‌ای اتم‌ها از هیچ، اجماع داشته‌اند.

۳۵. این قاعده از موارد اختلاف بین متکلمان و حکما بوده است (برای توضیح بیشتر، بنگرید به ابراهیمی دینانی ۱۳۸۹: ۸۲۳-۸۲۹). البته دینانی این قاعده را از دیدگاه حکما و مشایبون و از نظر

جایز بودن آن مطرح کرده است. فخر رازی در *المباحث المشرقیه* که کتاب فلسفی وی است آن را ممتنع دانسته و برهان متکلمان را نقل کرده است (الرازی ۱۹۹۰: ۱۵۴-۱۵۵). این که چرا متکلمان آن را رد می‌کردند با توجه به جهان‌شناسی آن‌ها قابل فهم است که درباره آن بیش‌تر بحث خواهد شد.

۳۶. برای مثال، در نظام ارسطویی برای مومی که به شکل مثلث باشد مثلث بودن و سه‌ضلعی بودن عرضی است که به ابعاد شکل قائم شده و داشتن ابعاد خاص خود عرضی است که به جوهر جسم مومی وارد شده است؛ یعنی، عرض مثلث بودن بر عرض شکل و ابعاد قائم شده است. اما چنین تبیینی در کلام مجاز نیست؛ موم مجموعه‌ای از اتم‌ها یا جواهر است و تمامی اتم‌ها دارای عرض خاصی در وضعیت آن که در نهایت به شکل موم مثلثی درآمده است. یعنی هر عرض به یک جوهر حلول کرده، نه به عرضی دیگر.

۳۷. این که اتم‌ها در یک لحظه موجودند و در لحظه دیگر به عدم می‌پیوندند به نظریه متکلمان در مورد زمان وابسته است. متکلمان زمان را فقط در لحظه آن موجود می‌دانستند. از نظر آن‌ها آنچه گذشته است دیگر نیست و وجود ندارد و آینده نیز موجود نیست و عدم است. پس هر چیزی فقط وقتی که در «آن» و لحظه است می‌تواند موجود باشد. (الرازی ۱۹۸۷: ۸۳-۸۸).

۳۸. این توصیف از اتم‌گرایی در واقع همان طرد ذات‌گرایی است که در ابتدای مقاله به آن اشاره شد.

۳۹. بدیهی است که در ره‌یافت معرفت‌شناختی تک‌اتم دریافت نمی‌شود؛ اما در این جا مقصود بسیط‌ترین و ساده‌ترین تغییری است که ناظر بتواند رصد کند.

۴۰. شاید خلاصه کردن و ساده‌سازی نظر متکلمان در یک پاراگراف عمل به احتیاط نباشد. در مقاله شومار (Shomar 2011) نشان داده شده است که صحیح نیست علیت را فقط براساس رأی غزالی و اشعری توضیح دهیم. برای مثال، شومار نظریات و آرای باقلانی را آورده است که علیت را به شکل‌های گوناگون در مسائل طبیعی پذیرفته است، یا فخر رازی که نقش مؤثری در ترکیب حکمت مشا و کلام اشعری دارد علیت را در سطوحی پذیرفته است.

۴۱. غزالی، به تفسیر ریچارسون (Richardson 2015)، چنین شکاکیتی را پذیرفته است (الغزالی ۱۳۸۲:

۳۱)؛ البته از منظر شومار، نباید نظر غزالی را در شمار طبیعی‌دان‌های کلام به حساب آورد.

۴۲. نص قرآن در آیه ۴۳ سوره فاطر بر ثبوت سنت‌های الهی تأکید دارد. این جانب هنوز نتوانسته‌ام در میان آرای متکلمان گواه متنی مشخصی بیابم که مشخص کند آیا تفسیری که برای ثبات و مشاهده پدیده‌ها دارند و آنچه عادات خدا خوانده‌اند مستقیماً مرتبط با این آیه است یا نه. فخر رازی در تفسیر کبیر، در ذیل این آیه، به حکمت خداوند بر تکرار اشاره داشته است؛ اما چون در آن جا بیش‌تر درباره سرنوشت و عقوبت صحبت شده است نمی‌توان به‌طور مشخص این نتیجه را گرفت (الرازی ۲۰۰۱: ۲۴۷). به‌هر حال، می‌توان در آثار مختلفی از

نسبت بین فیزیک اتم‌گرایی کلام به مادی‌گرایی و الحاد ... (بنفشه افتخاری) ۱۹

متکلمان اشعری، چون ابن‌فورک، تفتازانی، جوینی، ایجی، و خادمی، لفظ عادات خدا را یافت (پورنعمی و طاهری ۱۳۹۲).

۴۳. این که سنت‌ها همیشه ثابت‌اند تنها به‌خواست پروردگار است. بر همین اساس نیز اگر خداوند اراده کند می‌تواند این سنت‌ها را تغییر دهد (خرق عادت)، که ما آن پدیده را متحیرانه یا معجزه می‌خوانیم.

۴۴. همان‌گونه که در پی‌نوشت‌های قبلی اشاره شد، متکلمان مانند هم نمی‌اندیشیدند؛ غزالی که به شناخت پدیده‌های طبیعی شکاک بود چندان اثر واضحی در طبیعیات ندارد؛ ولی در آرای باقلانی، سرخصی، و سایر (که شومار به اقوال آن‌ها اشاره می‌کند) تأکید بر مشاهده، تجربه، و استقرا یافت می‌شود.

۴۵. این مسئله چنان به اجماع مورخان فلسفه درآمده که مدخل «مقارنه‌گرایی» در *دایرةالمعارف/استنفورده* بخشی مستقل به‌عنوان «مقارنه‌گرایی در کلام اسلام» را به خود اختصاص داده است (Lee 2019).

۴۶. روشی که در این قسمت برای تحلیل استفاده شده است روشی جدید در تحلیل نظریات علمی است که مشابه مشخصی ندارد و تمامی مطالب از خود این‌جانب است. از خوانندگان گرامی دعوت می‌کنم با نقد این روش به پخته‌شدن و باردهی آن کمک کنند.

۴۷. این مفهوم از مفهوم بسته‌بودن مجموعه نسبت به عمل خاصی در نظریه مجموعه‌ها گرفته شده است. بسته‌بودن مجموعه به‌معنای این است که وقتی عملی مثل ضرب یا جمع روی اعضای مجموعه اعمال شود حاصل کار در خود مجموعه قرار بگیرد.

۴۸. ارسطو در کتاب فیزیک حرکت را چنین تعریف کرده است:

Change is the actuality of that which is potential when that which is potential is actuality active not as itself but as something which is capable of change (Aristotle 2008: *Physics*, Book III, P:58, 201a27)

۴۹. براساس نظریه اتمی دموکریتوس ماهیات مرتبط با انواع اتم‌هاست. وی مخالف فروکاستن عناصر به چهار عنصر مادی بود. به‌عبارتی ماهیات بسیار متکثرند و در چهارچوب نظام ذات‌گرایانه ارسطویی نمی‌گنجند (نیک‌سرشت ۱۳۸۵).

۵۰. مفاهیم ماده‌گرایی و ایده‌گرایی از مقاله گویر درباره ایده‌گرایی در *استنفورده* گرفته شده است که در آن مادی‌گرایی به‌عنوان مکتب معرفت‌شناختی از تجربه‌گرایی یا واقع‌گرایی تفکیک شده است و از این‌رو در کنار تجربه‌گرایی و واقع‌گرایی دربرابر ایده‌گرایی قرار می‌گیرد (Guyer 2015).

۵۱. از نبود نیروی اثرگذار خارجی می‌توان قانون بقای ماده - انرژی را هم نتیجه گرفت؛ ولی این مسئله خارج از بحث مقاله است.

۵۲. این ندانستن براساس تعریفی است که مادی‌گرا از دانستن ارائه کرده است.
۵۳. در ادبیات اخیر تعاملات علم و دین تصادفی بودن روی‌دادها تأییدی بر نظریات الحادی فرض شده است.

## کتاب‌نامه

- ابن‌رشد، محمد بن احمد (۱۹۹۳)، *تهافت التهافت*، تصحیح عریبی و محمد یاسین، بیروت: دار الفکر اللبنانی.
- الاشعری، ابوالحسن (۱۹۸۰)، *مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین*، تصحیح ریتز هلموت، بیروت: دار النشر فرانتز شتاينر.
- افتخاری، بنفشه (۱۳۹۷)، «ناسازگاری پیوسته‌گرایی هندسی و اتم‌گرایی کلام در آرای فخر رازی»، *دوفصل‌نامه فلسفه علم*، س ۸، ش ۱۵، بهار و تابستان.
- افتخاری، بنفشه (۱۳۹۸)، «نظریه اتم‌گرایی حرکت فخر رازی در تراکنش با نظریه حرکت ارسطویی؛ رویکردی تحلیلی»، *دوفصل‌نامه فلسفه علم*، س ۹، ش ۱۷، بهار و تابستان.
- افتخاری، بنفشه (۱۳۸۶)، *نظریه جزء لا یتجزی در طبیعات فخر رازی*، رساله کارشناسی ارشد، تهران: پژوهشکده تاریخ علم.
- براتی، مرتضی (۱۳۸۶)، «بررسی تقریر اشاعره از نظریه خلق از عدم»، *پژوهش‌های فلسفی*، دوره ۴، ش ۱۱.
- پورمحمدی، نعیمه، سیدصدرالدین طاهری (۱۳۹۲)، «مقارنه‌گرایی (اکازیونالیزم) در مکتب دکارتی و اشعری»، *پژوهش‌های ادیانی*، د ۱، ش ۱.
- الجوینی، امام‌الحرمین، عبدالملک‌بن عبدالله (۱۹۹۵)، *الارشاد الی قواطع الادله فی اصول الاعتقاد*، به تحقیق زکریا عمیرات، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- حسینی شاهرودی، سیدمرتضی، تکتم مشهدی (۱۳۹۱)، «سنخیت از دیدگاه غزالی و ابن سینا»، *مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام*، س ۴۴، ش ۸۹، پاییز و زمستان.
- الرازی، فخرالدین (۱۹۹۰)، *المباحث المشرقیة فی العلم اللهیات و طبیعات*، تصحیح محمد معتصم بالله البغدادی، بیروت: دار الکتب العربی.
- الرازی، فخرالدین (۱۹۸۷)، *المطالب العالیة من العلم الالهی*، تصحیح أحمد حجازی السقا، بیروت: دار الکتب العربی.
- الرازی، فخرالدین (۲۰۰۱)، *التفسیر الکبیر*، بیروت: دار احیا التراث العربی.
- فارابی، محمد بن محمد (۱۹۹۶)، *احصاء العلوم*، شرح علی بوملحم، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- الغزالی، محمد بن محمد (۱۳۸۲)، *تهافت الفلاسفة*، به تحقیق سلیمان دنیا، تهران: شمس تبریزی.

نسبت بین فیزیک اتم‌گرایی کلام به مادی‌گرایی و الحاد ... (بنفشه افتخاری) ۲۱

معصومی همدانی، حسین (۱۳۶۵)، «میان فلسفه و کلام: بحثی در آراء طبیعی فخر رازی»، معارف، دوره ۱، ش ۷.

نیک‌سرشت، ایرج (۱۳۸۵)، «ضرورت فرض خلاً نزد اتمیان یونان باستان»، نامه علم و دین، ش ۲۹-۳۲

Aristotle (2008), *Physics*, trans. Waterfield Robin (English), New York: Oxford University Press.

Aristotle (2018), *Metaphysics*, trans. W. D. Ross, Digireads.com, Online version.

Dhanani, Alnoor (1994), "The Physical Theory of Kalam, Atoms, Space and Void", in: *Basrian u'tazialah Cosmology*, EJ. Brill Leiden (ed.), New York: Koln.

Eftekhari, Banafsheh (2017), *An Introduction to the Book "Proving Atomism"*, Phd Thesis Lyon: University of Lyon III .

El-Bizri, Nader (2001), "Avicenna and Essentialism", *The Review of Metaphysics*, vol. 54, no. 4.

Guyer, Paul (2015), "Idealism", *Stanford Encyclopedia of Philosophy*,

<<https://plato.stanford.edu/entries/idealism/>>.

Griffel, Frank (2018), "Kalām", *Encyclopedia of Medieval Philosophy*, Springer

<[https://doi.org/10.1007/978-94-024-1151-5\\_286-2](https://doi.org/10.1007/978-94-024-1151-5_286-2)>

Ibrahim, Bilal (2020), "Beyond Atoms and Accidents, Fakhr al-Dīn al-Rāzī and the New Ontology of Postclassical Kalām", *Oriens*, vol. 48.

Lee, Sukjae (2019), "Occasionalism", *Stanford Encyclopedia of Philosophy*,

<<https://plato.stanford.edu/entries/Occasionalism/>>.

McGinnis, Jon (2013), "Arabic and Islamic Natural Philosophy and Natural Science", *Stanford Encyclopedia of Philosophy*, <<https://plato.stanford.edu/entries/arabic-islamic-natural/>>.

Pines, Sholomo (1997), *Studies in Islamic Atomism*, trans. Schwarz Michael, Jerusalem: The Magness Press.

Rashed, Marwan (2005), "Natural Philosophy", *The Cambridge Companion To Arabic Philosophy*, Peter Adamson, Richard C Taylor (eds.), Cambridge: Cambridge University Press.

Richardson, Kara (2015), "Causation in Arabic and Islamic Thought", *Stanford Encyclopedia of Philosophy*, <<https://plato.stanford.edu/entries/arabic-islamic-causation/>>.

Sabra, A. I. (2009), "The Simple Ontology of Kalam Atomism: An Outline", *Early Science and Medicine*, vol. 4.

Setia, Adi (2004), "Fakhr al-Din al-Razi on Physics and the Nature of the Physical World: a Preliminary Survey", *Islam & Science*, vol. 2, no. 2.

Shomar, Tawfiq (2011), "Causation and Order in Islamic Kalam", Conference: Order: God's, Man's and Nature's (ISSN 2045-5577), CPNSS, LSE, UK.

Wolfson, Harry Austrian (1976), *The philosophy of the Kalam*, Cambridge: Harvard University Press.

